

تعارض در خانواده و اثر جرم‌زانی آن بر جامعه

در جوامعی که مردمانش به مکتب نرفته و خط‌نویسته بودند هر پدر و مادری بر حسب اصول ساده و هماهنگی تربیت می‌شد که والدین خودش نیز بدان سان تربیت یافته بودند. مضافاً آنکه همسایگان و دیگر اعضای خانواده نیز بر همان مبنا تربیت شده بودند. به این ترتیب شخصیت کودک تحت تاثیر تربیت منظم و متجانس والدین و افراد خانواده و اطرافیان بدون تلاش فوق‌العاده و یا آموزش شکل می‌گرفت و از هرگونه تعارضی یا اختلاف سلیقه‌ای مصون بود. اما این امر در جامعه کنونی غیر ممکن است زیرا کسانی که عهده‌دار تربیت کودک هستند اغلب خودشان کاملاً منطقی نبوده و مجموعه‌ای از تناقضات هستند، پدر با مادر ناسازگار است. این یکی آن دیگری را قبول ندارد و هر يك با اجداد، مریبان و با دیگران تعارض و کشمکش دارند. گویی زندگی عصر ما صحنه جنگ و ستیز همه با همه و هر کس با خودش است. پدر و مادر کنونی هر يك برای اینکه بیش از دیگری در دل کودک راه یابد و مقام نخست را به خود اختصاص دهد، احتمالاً دچار تعارض می‌شود و در چنین وضعی، محال است که بتوانند بدون تناقض و با آرامش، در زمینه تربیت صحیح کودک توفیق یابند. همچنین برای هر يك از والدین محال است که با خود در کشمکش و جدال نباشد و تناقض‌گویی نکند. زیرا رفتار هیچ يك نمی‌تواند متکی بر يك فرهنگ متجانس باشد تا او را در صراطی مستقیم و غیرقابل تغییر حفظ کند. این تناقض‌ها و تضادها، خالی از تاثیر ناروا و انعکاس نامطلوب بر فرزندان نخواهد بود، نخست آنان را به عدم اطاعت از والدین سوق می‌دهد. زیرا کودک در برابر تناقض پدر و مادر بلا تکلیف می‌ماند و نمی‌تواند تصمیمی عاقلانه بگیرد و ناگزیر ترجیح می‌دهد از امر و نواهی آنها سرپیچی کند. به این ترتیب، نه فقط از میزان اطاعت فرزندان از والدین کاسته می‌شود و خللی در انضباط او راه می‌یابد بلکه به اقتدار معنوی والدین نسبت به فرزندان هم لطمه شدیدی وارد می‌شود. به علاوه، اطاعت فرزندان و اقتدار والدین تا حدود وسیعی به اعتبار و شئون این دو بستگی دارد و در عین حال تابع وضع اجتماعی والدین و هماهنگی انتظارات و توقعاتی است که از فرزند خود دارند. فقر و بیچارگی، ظواهر مادی، میل به هم‌چشمی، روحیه سبقت‌جویی، درجه توفیق و کامیابی، وضع جسمی والدین در مقایسه با اشخاص دیگری که کودک آنها را می‌شناسد از جمله تعارض‌ها و تناقضات و تضادهای اجتماعی است که می‌تواند اعتبار و شئون والدین را در نظر کودک خوار و خفیف سازد و پدر و مادر خود را حقیر تصور کند. رفتار والدین که باید سرمشقی برای کودک باشد، تحت تاثیر عوامل یاد شده، بی‌اثر می‌ماند. جدال یا تعارض روانی در فرد اضطراب‌ناמידه می‌شود. تعارض بین اعضای خانواده به وحدت و یگانگی آن لطمه می‌زند. شدت تعارض موجب بروز نفاق و پرخاشگری و ستیزجویی و سرانجام انحلال و زوال خانواده می‌گردد. کانون خانواده که بر اثر تعارض و نفاق و جدال بین پدر و مادر آشفته و نابسامان است آثاری در روان کودک می‌گذارد که چندین سال بعد به صورت عصیان جوانی و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می‌کند. وجدان اخلاقی هر کسی مرهون طرز زندگی شخص در کودکی و رفتار پدر و مادر و برادران و خواهران و سایر اطرافیان در آن دوران است. اگر این الگوی رفتار، سالم و متحد و روشن باشد، کودک با مکانیسم یکسان‌سازی به راحتی خود را بر آن عینیت می‌دهد و در زندگی دچار تزلزل و اضطراب و دلهره نخواهد بود. بررسی تبهکاری کودکان ثابت کرده است که نفاق و ستیزه‌جویی میان پدر و مادر در بروز آن نقش عمده‌ای داشته است. نه فقط ستیزه‌جویی و نفاق و رفتار خشونت‌آمیز، مفاسد خطرناک برای کودک و جامعه به بار می‌آورد بلکه خونسردی و سکوت دائمی والدین و کانون سرد و بی‌فروغ و خالی از محبت و مهر و نوازش آنان نیز پیامد شومی در برخواهد داشت. بسیاری از جانیان خطرناک و سنگدل و مجرمان به عادت کسانی هستند که در کودکی از نوازش مادری و محبت پدری محروم مانده و از این محرومیت رنج برده‌اند. پی‌ناتل نوشته است: «... در علت شناسی بزهکاری خردسالان و نوجوانان، خانواده اصلی ایفاگر نقش مستقیم و بسیار مهم است. بزهکاری در اغلب موارد واکنش تعارضی است که در وضع خانوادگی پدید می‌آید اما در ماورای این نقش مستقیم، خانواده اصلی در تکوین شخصیت بزهکار و شکل دادن بدان دخالتی موثر دارد.»

پرفسور استفانی درباره تعارض زوجین نوشته: «تعارض زوجین مستقیماً یا غیرمستقیم منجر به بزهکاری می‌شود. فردی که تحت تاثیر چنین تعارضی قرار گیرد به سوی جرائم گوناگونی سوق داده می‌شود. شوهری که با همسرش توافق نداشته باشد کانون خانوادگی را مرکزی برای تحریک اعصاب تشخیص می‌دهد. ترجیح می‌دهد که از آنجا رو برتابد و به محیط آرامتر و مطبوعی روی آورد که از نظر جرم‌زانی مخاطره‌آمیزتر است از خانه به مراکز تفریحات ناسالم و فساد می‌رود. روابط عاطفی پدر و مادر تعیین‌کننده آهنگ و طرز رفتار عاطفی خانواده و فوق‌العاده حائز اهمیت است...»

شمنیع: مبانی جرم‌شناسی دکتر مهدی کی نیا